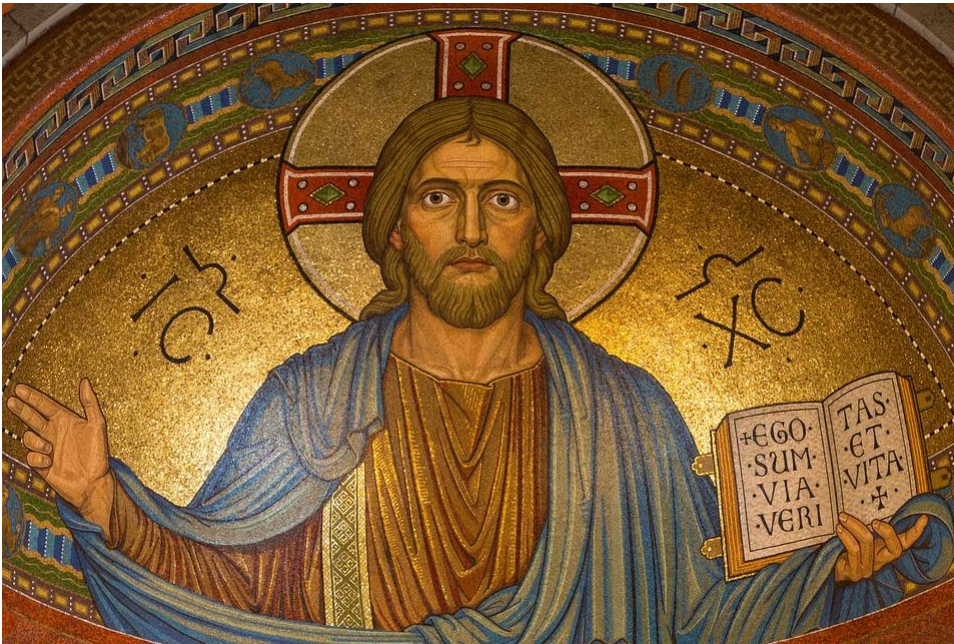


عیسی: کار او، نماز او و کلمه او

مرقس 1 و 39/32



وقتی خورشید غروب کرد و شب شد، همهٔ بیماران و دیوانگان را نزد او آوردند. 33 تمام مردم شهر در جلوی آن خانه جمع شدند. 34 عیسی بیماران بسیاری را که امراض گوناگون داشتند، شفا داد و دیوهای زیادی را بیرون کرد و نگذاشت آنها حرفی بزنند، چون او را می‌شناختند. 35 سحرگاه روز بعد، عیسی از خواب برخاسته از منزل خارج شد و به جای خلوتی رفت و مشغول دعا شد. 36 شمعون و

همراهانش به جستجوی او پرداختند 37. و وقتی او را پیدا کردند به او گفتند: «همه به دنبال تو می‌گردند 38». عیسی به آنها فرمود: «به جاهای دیگر و شهرهای اطراف برویم تا در آنجا هم پیام خود را برسانم، چون من برای همین منظور آمده‌ام 39». عیسی در سراسر جلیل می‌گشت و در کنیسه‌ها پیام خود را اعلام می‌کرد و دیوها را بیرون می‌نمود.

بعد از ظهر خورشید تمام روستا را به لباس زرد و طلایی تبدیل کرده است. و پس از آن می‌توانید از تمام خانه‌ها در آن شهر بشنوند که غروب معمولی نیست. تکه تکه ای از یک خانه یا دیگری صدای بلند فریاد زد، و هنگامی که خورشید کمی عمیق تر شد، شهر از لانه مورچه تبدیل شد. مردم از همه خانه‌ها ریختند. بعضی از آنها با عصا بودند، بعضی از آنها بر روی تخت قرار گرفته بودند، بعضی دیگر بدن‌های زخمی خود را حرکت می‌دادند. بعضی از آنها به حالت شکنجه راه پیش می‌گرفتند. هر کدام از آنها یک خانه می‌خواستند. جایی که عیسی در آنجا بود. هنوز روز سبت بود، حمل بیماران ممنوع بود. در تمام طول روز سبت آنها منتظر طلوع خورشید بودند تا سرانجام پایان روز سبت را اعلام کنند. وقتی پایان روز سبت آمد، کل شهر جمع شدند. در خانه ای که عیسی در آن بود. بعضی از آنها بیماریهای سختی در سر ایشان داشتند. : و عیسی از شر بیماری مضر نجاتشان می‌داد. انسانهای با روح ناپاک بیمارها و نیازمندا، عیسی تمام شب آنها را کمک می‌کرد. بلکه، عیسی هم مثل انسان بود و او خسته شد. قبل از خستگی او خود را روی زمین گذاشت و به عنوان خدا، که تبدیل به انسان شده است، به خدا دعا کرد. و قدرت جدید در او ایجاد شد. و از درون او به سوی خدا خوانده شده و به خدا گفته می‌شود.

وقتی این را می‌بینم و می‌شنوم، احساس غم و اندوه می‌کنم. آه، چقدر دوست دارم در این روز حضور داشته باشم! با خوشحالی می‌توانم آن را تجربه کنم! عیسی که مبارزه می‌کند و برنده بیماری و شیطان است! عیسی و کل شهر به او میرسد که به جای اینکه امروز معکوس از آن است! چون طبق آمار سالانه بسیاری از مردم از عیسی و کلیسا فرار می‌کنند. کلیسا چیزی بیشتر از آنچه عیسی انجام داد، ندارد. اگر از یک بیمار در نزد عیسی مسیح پرسیده می‌شد «به دنبال چه می‌گردی؟» سپس پاسخ همواره یکسان بود: "شفا بده! زندگی بدون درد!" این را از عیسی خواستند. و آنها حتی احساس شرمساری نمی‌کردند حتی بخاطر از بین بردن سقف خانه ای که عیسی مسیح در آن بود، به طوری که بیمار آنها می‌توانست شفا یابد. امروزه این آرزوها توسط پزشکان، درد درمانگران و روانشناسان انجام می‌شود. و در عین حال مردم هنوز در شهرها و روستاهای ما نشسته اند و از شدت درد و زخم صدا بلند میکنند. مردم هنوز هم نیاز دارند! اگر آنها امروز می‌دانستند که به آنها کمک خواهد شد، هنوز هم صفهای طولانی تشکیل می‌دادند. و این فقط سختی‌های فیزیکی است که مردم را عذاب می‌دهد. و عیسی نه تنها برای رفع نیازهای فیزیکی کمی تلاش می‌کند و به ما زندگی بهتر می‌دهد. او آمده است تا مردم را از گناه، مرگ و شیطان نجات دهد. و این دشمنان هنوز دقیقاً همانند 2000 سال پیش هستند. و عیسی هنوز امروز آنجاست. مانند 2000 سال پیش.

و بنابراین او همیشه به ما قول داده است . به عنوان مثال: هر جا دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من در میان آنها هستم ... "یا" من با شما تا پایان جهان هستم " عیسی نیز به ما وعده داده است که او فقط در مورد آن فکر اینجا نیست اما واقعا شخصان اینجا است! او مانند یک قهرمان نیست، اعمال خوبی که ما می توانیم دوباره و دوباره با احتیاط به یاد آوریم. نه، عیسی خودش با ما اینجا است! اما عیسی هنوز دیده نمیشود. به ویژه اگر ما می خواهیم عیسی را با خواسته هایمان سازگار کنیم. اگر عیسی فقط برای تحقق خواسته های ما باشد، ناپدید خواهد شد! این در آن زمان در روستای کوچک در اسرائیل و همچنین در بسیاری از کلیسا ها امروز اتفاق افتاد . مردم متوجه می شوند که عیسی مسیح از آنجا رفته است!

برای مردم آن زمان، این متفاوت نبود. وقتی که مردم برای شفا جمع شده بودند عیسی رفته بود. و هیچ کس نمی دانست کجا رفت! هنگامی که سیمون و دیگران در نهایت او را یافتند، تقریبا عصبانی بودند: از عیسی پرسیدند: "کل شهر تو را جستجو می کردند و تو چکار میکنی؟" اینجا نشسته و فقط دعا می کنی؟ در حالی که مردم می میرند! " این اتهام به نوعی جانب است. چون امروز حتی هنوز وجود دارد که افرادی که دعا می کنند و دیگران که در مورد آن دعا شکایت دارند و گفتند: بهتر است به جای دعا کردند برای شفای بیماران به گرسنگان کمک کنید! کسی اجازه ندارد برای دعا و کمک کردن با کسی مخالفت کنند. دعا و کمک یک مبنا دارد و آن در عیسی وجود دارد . باز هم دوباره می بینیم که عیسی دعا می کند. و دوباره و دوباره می بینیم او به بیماران کمک می کند. بدون دعا ، می توان گفت امکان پذیر نیست. اما ما می توانیم حالت دوم را نیز بگوییم؟ "چون درمان نابود، دعا نکرد!" "برای بسیاری، این واقعا چنین است. اگر آنها را کمک نکرده است، ناامید می شوند. و چقدر مردم آنجا هستند که نمی خواهند به خدا ایمان بیاورند؛ زیرا آنها در یک یا چند موقعیت دشوار تجربه می کنند و به این دلیل فکر می کنند خدا آنها را در وسط یک ناراحتی ترک کرده است، و کمک نمی کند. از آنجا که خدا یکی یا دیگری شفا نداده است، دیگر اعتقاد ندارند. آیا آنها به اندازه کافی ایمان ندارند. ؟ شاید ایمان ما به کلیسا نیز به اندازه کافی قوی نیست؟ اگر مردم در کلیساها نمی آیند به این دلیل است که نمی توانند این ایمان را به رسمیت بشناسند. اگر فقط این دو چیز مهم است: ایمان ما و کار خوب ما، بالاتر از همه اینهاست اینطور نیست. اگر ما اینکار را با تصور خودمان انجام می دهیم، انگاه عیسی خواهد رفت . وقتی شاگردانش سریعا از او دعوت کردند که به شهر برمیگردد، یک پاسخ غیر عادی از خداوند عیسی آمد.

" به جاهای دیگر و شهرهای اطراف برویم تا در آنجا هم پیام خود را برسانم ."

در جواب عیسی واقعا هیچ پاسخی نیست. شاگردان می خواستند عیسی را در اسرع وقت به شهر بازگرد و بیماران بیشتری را درمان کنند. و او پاسخ می دهد که بهتر است به شهرهای دیگر برویم تا موعظه کنیم. و هنگامی که عیسی چنین می گوید، این بدان معنا نیست که او می خواهد پیام خود را به طور موثر در همه کشورها گسترش دهد. نه، مهمتر کار عیسی نه تنها درمان بیمار بود بلکه مهمتر از همه کلم رسالت او بود، که او موعظه می کرد . بله. اما موعظه عیسی مهمتر از آن معجزات بود. و این باعث می شود که عیسی شاگردان خود را بهتر روشن کند، و گفت: «من به آن دلیل آمده ام.

کلام عیسی امروز نیز موجود می باشد. مطمئنا ما کشیشان عیسی نیستیم مطمئنا ما بسیاری از خطاها و گناهان را داریم که عیسی داشت . مطمئنا نمیتوانیم معجزات را از طریق دعاهایمان انجام دهیم. اما این چیزها مهم نیست. اما واقعا فقط در مورد اینکه آیا عیسی وجود دارد. عیسی این وعده را به ما می دهد که هدف او در کلام او است. وقتی که او از طریق کلامش به ما میگوید. و به خصوص هنگامی که کلام او در مورد نان و شراب است، و از این چیزهای عادی گوشت و خون عیسی تبدیل شده است. و ما می توانیم عیسی را بخوریم.

به همین دلیل ما همیشه می توانیم عیسی را در کلامش پیدا کنیم . این فقط کلام عیسی است که دارای قدرت برای نجات ما است. به همین دلیل است که ما همیشه تحت کلامه او هستیم. به همین دلیل است که ما همیشه به جایی رفتیم که عیسی مسیح است. مردم در آن زمان برای ما روشن ساختند. ما همین کار را می کنیم و جایی که عیسی است برویم. و در عین حال کلمات عیسی برای بسیاری از مردم خیلی کم است. در یک زمان زمانی که ما با کلمات هر روز و هر ساعت پر هستند، ما کلمات را برای چیزی سبک و غیر قابل اعتماد نگه می داریم. برخی از کلیسا می گویند " در کلیسا تنها بحث وجود دارد." و این بدان معنی است که در کلیسا تنها بدون عمل بر اساس کلمات عمل می شود و این به معنای کلمه خداوند نیست. کلام خدا خیلی بیشتر از صحبت کردن است. کلام خدا قدرت است که جهان ساخته است. علاوه بر این، کلام خدا نیز برای من بسیار شخصی است. درست همانطور که عیسی به بسیاری از بیماران و کسانی که شیطان داشتند گفت: سلامت باشید! خالص باش بنابراین عیسی همچنین به ما شخصا می گوید. به همین دلیل است که ما خواستیم در جای که عیسی مسیح است همین تور بمانیم. در خانه اش و نزدیک او. کلام او نباید در قفسه های ما گردد و خاک بخورد . این به دست ما و به قلب ما تعلق دارد. هر روز آن وجود دارد خودتان آن را امتحان کنید خواهید دید که شما را مثل روستای کوچک اسرائیل کمک خواهد کرد. آمین.

